

بعضی دنبازشان معروف است مثل "سمرون" و "شهابی". البته خرماى آنها هم خوب است و "سمرون" بیشتر از همه نوع خرما صادر میشود. گنتار، کبکاب و خدراوى مخصوص رطب هستند و خارک آنها مورد استفاده نیست. در اینجا "دنباز" را "نیمخون" هم می‌گویند. اینک شعری را از شاعری محلی به نام کربلایی محمد قلی که در وصف خرما سروده است می‌آوریم.

نیمه شب اندوه و غم اندر دلم جا می‌کند
 کله "کبکاب" را ای دل مسیح آسانگر
 روحپرو هست "شیخالی" و جان‌پرور "بریم"
 نام "گنتار" ابریم اعضای من شیرین شود
 "نیمخون" را "سمرون" جاداده در زیر زنج
 شهدها کرده "شهابی" در میان لوله‌ها
 صبح تا شام دهان باشد بسان آسیاب
 باغبانان کرده زنبیلان خود پر از رطب

امیرحسین حیات داودی

آینده: امید است این بار، چون وصف خرما به زبان شعرست آقای ابراهیم صهبا را خوش آید.

موقوفات اسفراین و بند مهار

خواجه نجم‌الدین علوی حسینی فرزند خواجه کمال‌الدین فرزند خواجه غیاث‌الدین از عرفای اواسط دوره تیموری که از هنر خط بهره‌مند بود املاک فراوانی را در خراسان مخصوصاً در شهرهای خوشان (قوچان فعلی) و اسفراین و جوین و سایر نقاط وقف کرد. از جمله کارهای خیر او تعمیر سد مهارست که به گمان من اساس و پایه آن سد مربوط به دوره ساسانی می‌شود.

آب این سد به زراعت دشتهای اطراف برده می‌شد. دشتهایی که در مسیر آن بود عبارت است از: گورپان، ادکان (که در آن روزگاران شهری در آنجا وجود داشته) و آبادیهای کنونی کلاته سنجر (که در وقف نامهٔ خواجه به نام سنجر وجود داشته) و آبادیهای کنونی کلاته سنجر (که در وقف نامهٔ خواجه به نام سنجریه است)، ابرتپه که امروز «ابری‌تپه» گویند، کمند که ویرانه شده (کوه مانند)، کلاته علی خان و کلاته قاسم خان و گمهای (Gom) اسحق و گورپان و زمان آباد و چل‌دختران در حوزه آن است.

آثار و ابنیهٔ نزدیک سد، در زیر توده‌های خاک کلاته سنجر یا سنجریه (که منسوب به سنجر علی فرزند واقف است) شاهدهی است بر قدمت منطقه و یادگار روزگاری که آنجا آبادان بوده است.

برای به دست دادن اطلاعات مربوط به فنوات اسفراین مضمون و چکیدهٔ وفتنامهٔ مورخ ۸۲۰

خواجه نجم‌الدین را که آقای نجم‌الدینی از عربی به فارسی نقل کرده‌اند به چاپ می‌رسانیم. نسخه این وقفنامه از آن سید اکبر نجم‌الدینی‌ها است و ترجمه از روی نسخه‌ای انجام شده است که در اداره اوقاف خراسان مورد تحقیق و مقابله قرار گرفته است.

احمد شاهد
(اسفراین)

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

... اما بعد، عالیجناب مستطاب حقایق و معارف آداب و افاضت اکتساب و عوارف انتساب، افضل الفضلاء‌العلام و افقه الفقهاء‌الفهام و اشرف السادات‌المظام ذوالمناقب و المفاخر و صاحب‌المجدین. مجد شریعت و مجدد طریقت و قبله عرفاء خواجه نجم‌الدین این‌خواجه کمال‌الدین علوی حسینی علیهما‌السلام در مجلسی متشکل از اعیان و اشراف و جماعت مؤمنین و مسلمین وقف مؤبد و حبس مخلّد نمود تمام مایملک و متصرفات خود را از قنوت کلی و جزئی در بلوک خبوشان بر اولاد خودش بطوری که به هیچ وجه قابل فروش و هبه و رهن و انتقال به غیر نباشد، مادامی که نسل انسان در روی زمین باقی است در تصرف اولاد باشد.

و واقف در ضمن عقد وقف قید نمود که چنانچه اولاد در اطراف و اکناف دنیا و شرق و غرب متفرق شوند و قنوت و رقبات موقوفات بلامالک و بدون سرپرست بماند [هیچکس حق دخالت ندارد] و هرکس در امور موقوفه و رقبات آن تصرف نماید لعنت خدا و ملائکه و تمام مردم تا روز قیامت بر او باد.

و قنوت موقوفه بعضاً در حوزه جوبین واقع است، و بعضاً در میاندشت بین اسفراین و جوبین، و بعضاً در بلوک اسفراین در قسمت پائین اسفراین و بالای قریه صحن‌الخاص (که امروز سخواست گویند) و قسمتی هم در حوزه خبوشان. اما قنوت موقوفاتی که در بلوک جوبین در قریه محل سکونت واقف که مسجد و رواق او نیز در آنجاست قرار دارد پنج فقره است.

اول - قنات و مزرعه زیرآباد. ده زوج.

دوم - قنات الاسود، چهل زوج. این دو قنات از سمت مشرق سرچشمه گرفته و جریان

دارد.

سوم - قنات اقبال آباد، ده زوج.

چهارم - قنات کمال آباد، ده زوج.

پنجم - قنات جمال آباد، ده زوج که فرزندان خواجه نجم‌الدین بوده‌اند.

ب) قنوت واقف در میاندشت

اول - سد دایر و معموره‌ای که از مال واقف احداث گردیده و قناتهایی که در زیر سد

مومنین و فی مغرب یباینا فابا و فی سفارة بلوک الاستغرابین قینان الواعیتان اول

والثانیة الاد و فی سفارة الزبیرة قنانه و فی سفارة الجبلی قری سرتیلا الی

و فی سفارة الی فوق قریة الجبلی عشره و فی سفارة اول

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

باهره واقع شده اول قنات سنجریه است که در مجاورت سد باهره می‌باشد؛ شامل هشت زوج.

دوم - قنات ابری تپه، هشت زوج.

سوم - قنات معروف به کمند که اصلش کوه مانند است، بیست زوج، در شمال کلاته سنجر بوده و متروک و خشک است.

چهارم - قنات جلال آباد به اسم پسر واقف، بیست زوج. این قنات در سمت مشرق امامزاده احمد بن علی بن موسی (ع) و در مغرب تل باباقاجلو واقع است.

ج) قنات موقوفه واقع در قسمت سفلی بلوک اسفراین که شامل دو قنات است.

اول - قنات بابافیض‌خان، چهارده شبانه روز.

دوم - قنات نصیرآباد، دوازده شبانه روز.

در شمال تل باباقاجلو قناتی است مسمی به فیض آباد که از جانب کوه سرچشمه گرفته رو به قبله جریان دارد.

د) در انتهای حوزه اسفراین تا قسمت بالای قریه صحن‌الخاص یازده قنات به شرح زیر دارد.

اول - قنات اخذالعنان به فارسی «جلوگیر»، دوازده زوج.

دوم - قنات خالدآباد، بیست زوج.

سوم - قنات حبیب آباد، بیست زوج.

چهارم - قنات عرگ آباد در مغرب حبیب آباد (تعداد زوج غیر خوانا).

پنجم - قنات فخرآباد در مغرب عرگ آباد.

ششم - قنات کال‌یحیی، دوازده زوج.

هفتم - قنات غیاث آباد، پانزده زوج.

هشتم - قنات معروف سقله واقع در مغرب غیاث آباد و قریه شهیدا، شش زوج.

نهم - قنات شمس آباد در شمال قله (امروز به روستای قلی مشهور است) پنج زوج. این

قنات غیر از شمس آباد مغرب قریه صحن‌الخاص است.

دهم - قنات مشهور به دو قلول در مغرب شمس آباد، هشت زوج.

یازدهم - قنات علاءآباد به اسم پسر واقف در قسمت شمال دو قلول و کنار دربند، هفت

زوج.

ه) قنات احدائی و حفاری شده در حوزه خوشان پنج فقره است و اینها غیر از املاک جزئی واقف است که بعداً متذکر خواهد شد.

اول و دوم - دو قنات مشهور به غیر شماره شامل شانزده سلخ، واقمان در غرب داغیان و شرق‌شرین در بین دامنه‌های کوهستان که در اصل به اسم باباعلی یعنی شخصی که متصدی احداث و حفاری هر دو قنات بوده است می‌باشد.

سوم - قنات معروف به جهان‌آباد شامل بیست زوج، واقع در بین شمال و جنوب در

نزدیکی ویرانه‌ای که در شمال غازانچه و جبل‌الحوری قرار دارد و طول آن تا بالای مزار باباخوشگلدی امتداد یافته و از آنجا تا بالای قریه سکه جریان دارد. در مشرق آن کوه شاه و قریه خبوشان است و در بین شمال و مغرب آن تپه‌ای است معروف به قره‌تپه و قنات یکر کم.

چهارم- قنات نجم آباد (تعداد آن ناخوانا است و فقط هشت خوانده میشود) در محلی معروف به سکه نزدیک قریه شیروان و دور از شهر خبوشان. سرچشمه این قنات از شمال قلعه سکه جاری است و آب قنات در اراضی فلات و در مجاورت تپه در سمت قبله جریان دارد و در شمال آن بی‌بی حنیفه و آقا سلخ می‌باشند و قنات باباخوشگلدی در مشرق آن قرار دارد.

پنجم - قنات معروف به جمال آباد بیست (ناخوانا). این قنات در تعیین حدود ذکر شده که در شرق کمال آباد و مغرب سیاه دشت واقع است. نصف این قنات وقف است و بر امامزاده جعفر ملقب به سلطان قاسم و مشهور به آقا امام در عرف عوام فرزند امام حسن ابن علی علیهماالسلام که قاتل این امامزاده حکم ابن مالک کوفی علیه‌اللعنه بوده است و نصف قنات مزبور وقف بر کلیه اولاد واقف است و تولیت نصفه وقفی بر امامزاده فوق‌الذکر و نگهداری آن تعلق به اعلم ارشد اولاد واقف دارد که عواید موقوفه را متولی صرف تممیرات رواق اولاد و فرش و روشنائی بقعه نماید و لعنت خدا بر تغییردهندگان احکام وقف تا روز قیامت.

و اما املاک جزئی واقف که فوقاً اشاره شد عبارت است از املاک زیر:

در ناحیه رود ماوان * یک زوج از کل چهل زوج.

و در قنات کمال آباد یک زوج از کل که اول تمام آن قنات ملک واقف بوده، لیکن ده سال قبل از وقف تمام آن را فروخته به جز یک زوج باقیمانده.

و در خیرآباد که مدارش بر هفت است یک سلخ.

و از قنات سیاه‌دشت یک زوج از کل ازواج.

این وقفنامه در حالی تحریر شد که هشتصد و بیست سال از هجرت رسول اکرم می‌گذرد.

این وقفنامه را از روی رضا و رغبت و بدون اکراه و اجبار برای اولاد نوشتم و از فرزندان حضرات حسن ابن علی علیهماالسلام در بلوک خبوشان پنج نفر مدفونند.

اول و دوم طلحه و حسین که بدفن آنها در یک فرسخی خبوشان بین جنوب و مشرق در دامنه کوه شاه قرار دارد و قاتلشان حکم ابن تمیم خوارزمی علیه‌اللعنه بوده.

سوم عبدالرحمن که قاتلش هشام ابن حارث دومی علیه‌اللعنه بوده.

چهارم طی که قاتلش عمرابن بنده سیر حجازی است و مدفونش در دشت کوه و بین مشرق و

شمال قرار گرفته و مدفن عبدالرحمن ... در مشهد ترقبه (طبقه) واقع است.

مهر واقف خواجه نجم الدین ابن خواجه کمال الدین حسینی (به صورت مربع در دو طرف وقفنامه چهارمرته).

ترجمه حاشیه سمت راست ذیل وقفنامه.

در رکنی از ارکان سیاه دشت سنگ مخروط شکل و توخالی دفن کردم که در جوف آن سنگ توامری مشتمل بر بیان املاک و وسائلی متعلق به خودم می‌باشد و هر یک از اولادم که باهوش و فراست خود دست یابد پیدا کند او شریف‌ترین و بزرگترین فرزندانم خواهد بود و تمام اولاد موظفند به آن نوشته عمل نمایند.

مهر واقف: خواجه نجم‌الدین خواجه کمال‌الدین علوی حسینی (در هامش وقفنامه دومرته).



«جمکیه» همان «جامگی» فارسی است

در شماره ۱ - ۲ جلد پانزدهم ص ۸۳، مقاله بزرگ علوی در معرفی اثر علمی بانو آسیه اسبقی زیر عنوان لغات دخیل [وامواژه‌های] فارسی در زبان عربی چنین آمده: (یا مثلاً "جمکیه" در عربی به معنای "مقام و رتبه یک کارمند" است و در تفسیرالفاظ دخیلة فی لغات العربیة این کلمه به این معنی آمده است. ریشه فارسی آن معلوم نیست.)

ریشه این کلمه واژه پهلوی jamagih (جامگیه) است که در فارسی نو جامگی شده و در عربی به صورتهای جامکیه و جامقیه (عربی - فارسی) و جمکیه مضبوط است.

این واژه از اصطلاحات دیوانی عهد ساسانی است و در جامعه طبقاتی آن عصر پایگاه اداری و منزلت دیوانی یک صاحب منصب لشکری و کشوری را می‌رساند (همچنین نک: برهان قاطع).
معنی واقعی این واژه یک قواره پارچه است که برای یک دست جامه بنسندده باشد.

کاظم زارعیان
(شیراز)

عکس اتحاد اسلام

تصویری از مجلس «اتحاد اسلام» که به عنوان عکس ناشناخته به چاپ رسیده است، چندان ناشناخته هم نیست، زیرا این عکس پیش از این لاقفل یکبار در یکی از چاپهای پیشین (چاپ استانبول) سیاحتنامه ابراهیم بیگ نوشته حاجی زین العابدین مراغه‌یی چاپ و معرفی شده است.

درباره موضوع و شناسایی دو تن از آزادبخواهان کشور عثمانی و واژگون کردن دستگاه استبداد سلطان عبدالحمید، چون کار مشروطه خواهان در عراق به ویژه در شهر نجف بالا گرفت، گروهی از اعضای «جمعیت اتحاد و ترقی» که اغلب از نظامیان و مأموران دولت عثمانی بودند